

تأثیر بازیابی سند مشخصات آزمون بر بهبود کیفیت آزمون

حامد زندی

دانشگاه تهران و دانشگاه تحصیلات تکمیلی علوم پایه زنجان، ایران

شیوا کیوان پناه و سید محمد علوی

دانشگاه تهران، ایران

بازیابی سند مشخصات آزمون برای بهبود کیفیت آزمون های زبان روندی عادی در سازمان های آزمون سازی حرفه ای است. با این حال، پژوهش های بسیار اندکی در مورد تاثیر بازیابی مشخصات آزمون برای بهبود کیفیت آزمون های با مقیاس کوچک انجام گرفته است. تحقیق حاضر دو هدف را دنبال می کند: چگونه بازیابی سند مشخصات آزمون می تواند به افزایش روایی آزمون در حیطه ی ارزیابی برای یادگیری کمک کند و همچنین تا چه حد بازیابی کیفی سوالات منجر به یافتن سوالات بی کیفیت می شود. برای این منظور گروهی دوره دیده برای بازیابی سند مشخصات آزمون در مورد سند و کیفیت سوالات آن بازخورد خود را ارائه کردند. تحلیل بازخورد بیانگر آن بود که دغدغه های آموزشی به صورت طبیعی در جریان بازیابی سند مشخصات بروز کرد و باعث ارائه ی پیشنهاداتی برای بازنویسی مشخصات آزمون شد به نحوی که آزمون بتواند در کلاس درس مفید واقع شود. بعلاوه سوالات به گروهی متشکل از 40 آزمون دهنده داده شد و سپس سوالات به صورت کمی تحلیل شد. مقایسه ی نتایج قضاوت کیفی گروه بازیابی با نتایج تحلیل کمی بیانگر آن است که 38% سوالاتی که در بازیابی دارای ایراد بودند از منظر تحلیل نظریه کلاسیک آزمون هم کیفیت پایینی داشتند. این یافته ها حاکی از ظرفیت بازیابی مشخصات آزمون در راستای روایی سنجی پیشین در مقیاس های ارزیابی کوچک است، جایی که انجام تحلیل های آماری معمولاً مقدور نیست.

تنگنای ویراستار در آموزش زبان مدرن: آیا مربی گری خارج از کنترل است؟

میت کوریا

دانشگاه ایالتی کلرادو، آمریکا

اگرچه عدم صداقت علمی در سال های اخیر حائز اهمیت شده است، تحقیقات کمی در این زمینه انجام گرفته است که چطور مسائل مربوط به تقلب که در رشته هایی چون زیست شناسی و شیمی بی اهمیت می باشند، در بافت آموزش زبان های مدرن به جرم هایی بسیار جدی تبدیل می شوند. یکی از این موضوعات پیچیده، ویرایش (نامعتبر) توسط یک مربی و یا یک فرد بومی زبان است: به فرض اینکه قسمت اعظم (اگر نه تمام) یک تکلیف زبان مدرن، کاربرد زبان باشد (خواه دستور، واژگان، املا، یا سازمان دهی)، هر کمک دریافتی که شکل زبان شناختی (و متعاقباً نمره دانشجو) را بهبود می بخشد، بایستی به عنوان عملی قابل

تنبیه به جهت عدم صداقت علمی، تلقی گردد. اگر چه بدیهی به نظر می رسد، هنوز برای مدرسان زبان غیرمعمول نیست که به تکالیفی برخورد کنند که اشکال زبان شناختی پیشرفته و واژگان محاوره ای را در بر داشته باشد که متعلق به مجموعه زبان شناختی دانشجویی که آنرا نوشته است، نباشد (کوری، 2011). در این مقاله، به سوالات ذیل می پردازم: آیا استفاده از یک مربی یا فرد بومی زبان، سرعت ادبی تصادفی (بیسیلی، 2004)، اشتباه در ارجاع به نویسنده ای دیگر (والکر و تونلی، 2012)، یا تقلب در قرارداد (کلارک و لن کستر، 2006) می باشد؟ چه کسی مقصر است؟ چگونه می توان از آن پیشگیری کرد یا آنرا به حداقل رساند؟ آیا اصلا دانشجویان فارغ التحصیل اجازه دارند مربی داشته باشند؟ آیا معیارهای جدی تری برای دانشجویان فارغ التحصیل و (اساتید) گروه وجود دارد؟

بررسی میان فرهنگی و میان رشته ای عبارات های التزام آور در بخش بحث و نتیجه گیری مقالات پژوهشی

علیرضا جلیلی فر و خدایار محرابی

دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

این پژوهش با هدف تحلیل میان فرهنگی و میان رشته ای عبارات های التزام آور در بخش های بحث و نتیجه گیری مقالات پژوهشی زبان های فارسی و انگلیسی در رشته های فیزیک، شیمی، مشاوره، و جامعه شناسی به نمایندگی از علوم پایه و علوم انسانی انجام شد. به این منظور، 80 مقاله پژوهشی از نشریات فارسی و انگلیسی منتشر شده در سالهای 2000 تا 2012 انتخاب شد. مقالات به منظور تعیین توزیع عبارات های التزام آور مورد تحلیل محتوای متن قرار گرفتند. یافته های این پژوهش تفاوت معنا داری را در میان مقالات علوم پایه و علوم انسانی زبان فارسی از نظر بکارگیری این عبارات ها نشان دادند که حاکی از این بود که در زبان فارسی نویسندگان مقالات علوم پایه در مقایسه با نویسندگان مقالات علوم انسانی واژه های التزام آور را با بسامد بیشتری استفاده می کنند. بااین وجود، تفاوت معناداری از نظر توزیع واژه های التزام آور در میان مقالات انگلیسی رشته های علوم پایه در مقایسه با مقالات علوم انسانی مشاهده نشد. علاوه بر این یافته ها تفاوت معنا داری را در میان مقالات زبان فارسی و انگلیسی از نظر بسامد عبارات های التزام آور و صرف نظر از نوع (علوم پایه در مقابل علوم انسانی) نشان نداد. در مجموع، یافته ها حاکی از تمایل نویسندگان مقالات پژوهشی به زبان های فارسی و انگلیسی برای در پیش گرفتن روند مشابه گفتمانی و ژانری در بکارگیری عبارات های التزام آور در بخش های بحث و نتیجه گیری می باشد که بیانگر ماهیت جهانی عبارات التزام آور به عنوان راهکارهای متقاعد کننده مورد استفاده توسط نویسندگان علمی در شاخه های متعارف علم (علوم پایه و علوم انسانی) می باشد. یافته های پژوهش حاضر ممکن است سطح آگاهی فراگیران را در مورد قاعده ها و ویژگی های واژگانی-دستوری مقالات پژوهشی در فارسی و/یا انگلیسی ارتقا دهد.

تأثیر آموزش مدیریت زمان بر اضطراب امتحان و خودکارآمدی دانشجویان ایرانی سطح متوسط رشته زبان انگلیسی

بیوک بهنام، شاله جنانی و سعیده آهنگری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، ایران

پروژه حاضر به بررسی تأثیر آموزش مدیریت زمان بر اضطراب امتحان و خودکارآمدی دانشجویان ایرانی سطح متوسط رشته زبان انگلیسی پرداخته است. تحقیق حاضر نیمه تجربی است و در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه علمی کاربردی تبریز انجام گرفته است. سی و هشت دانشجوی کارشناسی آموزش زبان انگلیسی در مراکز ذکر شده در سال تحصیلی 1391-1390 در این تحقیق شرکت کردند. ابزارهای مورد استفاده در این تحقیق شامل پرسشنامه رفتار مدیریت زمان (Macan et al., 1990)، پرسشنامه خودکارآمدی عمومی (Jerusalem & Schwarzer, 1992) و پرسشنامه اضطراب امتحان (Driscoll, 2007) Westside بودند. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری بین میانگین نمرات اضطراب امتحان گروه آزمایش قبل و بعد از آموزش مدیریت زمان به آنان وجود دارد و همچنین تفاوت معناداری بین میانگین نمرات اضطراب امتحان گروه آزمایش و گروه کنترل بعد از مداخله وجود داشت. نتایج ذکر شده عیناً در مورد میانگین نمرات خودکارآمدی نیز مطابقت دارد. بنابراین میتوان نتیجه گرفت که آموزش مدیریت زمان بر اضطراب امتحان و خودکارآمدی دانشجویان رشته زبان انگلیسی تأثیر دارد. انتظار می رود که یافته های این تحقیق کاربردهایی برای محققین و دست اندرکاران آموزش معلمان، و نیز دانشگاه ها و موسسات آموزش زبان داشته باشد.

ارزشیابی تولید آهنگ به کمک کامپیوتر: مورد دانشجویان زبان چینی زیمباوه ای

موشانگ وی هربرت

دانشگاه هبی، چین

این مطالعه به بررسی این امر می پردازد که چگونه فن آوری می تواند به ارزشیابی و تدریس آهنگ های زبان چینی به دانشجویان خارجی که به زبان های آشنایی ندارند، کمک کند. تلاش بر آن بود که نشان دهیم چگونه با استفاده از نرم افزار پرات، دانشجویانی که زبان چینی را به عنوان زبان خارجه یاد می گیرند، می توانند اشتباهات آهنگی خود را تشخیص دهند. داده های مورد استفاده، به عنوان بخشی از ارزشیابی مستمر تلفظ آهنگ های زبان چینی دانشجویان، از دانشجویان زبان چینی دانشگاه زیمباوه جمع آوری شد. دنبال کردن این روش، که توسط معلمان جهت ارزشیابی آهنگ های دانشجویان استفاده شد، به گونه ای آسان جلوه نمود، که دانشجویان نیز می توانند جهت تمرین تلفظ خودشان از آن استفاده نمایند.

زیرا از طریق تحلیل ساختار آهنگ به کمک کامپیوتر می توانیم تولید آهنگ دانشجویان را تجسم و شاهد تصویری ارائه نماییم. استدلال ما بر آن است که بدین ترتیب، ارزشیابی اکتساب آهنگ دانشجویان نسبت به هنگامی که معلم صرفاً بر اساس درک شخصی خود اظهار نظر می نماید، کمتر اختیاری می شود. از آنجا که پرات می تواند بستری را فراهم آورد تا تلفظ دانشجویان با افراد بومی زبان مقایسه شود و همزمان می تواند به معلم کمک کند تا علت تلفظ اشتباه دانشجو را توضیح دهد، این مقاله نتیجه می گیرد که پرات می تواند ابزاری مناسب جهت ارزشیابی و تدریس آهنگ های زبان چینی باشد.

تأثیر روابط بینامتنی بر نگارش نقادانه زبان آموزان ایرانی

سعیده آهنگری ، هایدی سپهران

دانشگاه آزاد اسلامی ، واحد تبریز، ایران

هرمتن جدیدی با متون دیگر در ارتباط بوده و مجموعه و ترکیبی از متون مختلف میباشد. چنین رابطه ای رابطه بینامتنی خواننده میشود. میتوان گفت که هرمتنی بخاطر ارتباطی که با متون دیگر دارد خلق میشود. به عبارت دیگر در نگارش یک متن جدید نه تنها متون قبلی دوباره خوانی و دوباره نویسی میشوند بلکه تجارب شخصی، افکار و دانش قبلی نویسنده که از طریق منابع مختلف کسب شده است نیز بکار برده میشود. از طرف دیگر رابطه بینامتنی یک پروسه شناختی، مثل مقایسه کردن، پیش بینی و ارزیابی کردن میباشد که جهت ربط دادن متون مختلف به هم بکار برده میشود. یک نویسنده همواره از متون نوشته شده توسط نویسندگان قبلی به عنوان منبع استفاده کرده و در پاسخ به آنها متن جدیدی مینگارد. متنهای جدید حاصل تفکر نقادانه بوده که هم قسمتهائی از متون قبلی و هم دانش و تجارب شخصی فرد را در بر دارد. پس میتوان نتیجه گرفت که با استفاده از متون بینامتنی میتوان زمینه را برای ایجاد تفکر نقادانه و نتیجتاً پیشرفت مهارتهای زبانی از جمله مهارت نوشتاری نقادانه آماده کرد. هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر روابط بینامتنی بر تفکر نقادانه و نتیجتاً بر نگارش نقادانه بود. به همین منظور محققین این تحقیق 60 نفر از دانش آموزان دختر سطح پیشرفته در کانون زبان ایران شعبه تبریز را انتخاب کرده و آنها را به صورت تصادفی به سه گروه 20 نفری، شامل یک گروه کنترل و دو گروه آزمایشی تقسیم کردند. جهت پیش آزمون هر سه گروه درباره موضوع یکسانی یک پاراگراف نوشتند. سپس جهت پس آزمون به اولین گروه آزمایشی دو متن خواندنی ارائه داده شد و به گروه دوم آزمایشی علاوه بر آن دو متن یک فیلم با موضوع مشابه نشان داده شد. سپس بلافاصله هر سه گروه یک متن در باره همان موضوع نوشتند. نوشته های پیش و پس آزمون هر سه گروه توسط محققین تصحیح شده و پایایی آنها محاسبه شد. سپس نمرات پس آزمون هر سه گروه

با استفاده از آزمون تحلیل واریانس مقایسه شد. ارزیابی نتایج به دست آمده نشان داد که اختلاف معنی داری بین میانگین نمرات نگارش نقدانه گروه ها وجود دارد. به بیان دیگر، افزایش میزان متون بینامتنی باعث افزایش عناصر تفکر نقدانه در متون نوشته شده می‌گردد.

نقش بازخورد تصحیحی نوشتاری در ارتقاء استفاده صحیح نحو در انشاء های فراگیران ژاپنی ایرانی

معصومه احمدی شیرازی و زینب شکرآبی

دانشگاه تهران، ایران

هدف این تحقیق بررسی تاثیر بازخورد مستقیم و غیر مستقیم بر مهارت نوشتار فراگیران ژاپنی ایرانی می باشد. طی یک دوره ترمیک، سه بازخورد غیر مستقیم که شامل خط تاکید، رمز گذاری و ترجمه است به همراه بازخورد مستقیم مورد بررسی قرار گرفت تا مشخص شود کدام یک تاثیر بیشتری بر روی مهارت نوشتاری دانشجویان دارند. در این تحقیق، به تاثیر این بازخورد ها بر روی استفاده صحیح از حروف اضافه، وجه وصفی و گروه اسمی پرداخته شد. در این تحقیق 60 نفر شرکت داشتند که به دو گروه تجربی و شاهد تقسیم شدند. از هر دو گروه خواسته شد که در هر جلسه برای مدت 10 هفته انشاهای با مضمون توصیفی بنویسند. گروه تجربی یک جلسه در میان یا بازخورد مستقیم یا غیر مستقیم دریافت کرد. آزمون تی مستقل نشان داد که گروه تجربی در مقایسه با گروه شاهد خطای کمتری در استفاده از سه مقوله نحوی دارند. این تحقیق از مدل سریهای زمانی استفاده کرده و آزمون واریانس مکرر انجام گردید. یافته ها نشان داد که بازخورد مستقیم در مقایسه با بازخورد غیر مستقیم تاثیر بیشتری بر روی استفاده صحیح از حروف اضافه، وجه وصفی، و گروه اسمی دارد.